

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته



به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

امام کیست،
امامت چیست؟

۲ اسفند ۱۳۸۵
۳ صفر ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

«وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ» .

قال الله العظيم في كتابه الكريم أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ،

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾^(۱)

و از آنان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت کنند ، چون شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند .

خلاصه جلسه گذشته:

در جلسه گذشته دو نکته را بیان نمودیم .

نکته نخست: با توجه به نص صریح قرآن کریم، جایگاه و منصب امامت

محتاج به جعل الهی می باشد .

نکته دوم: تفویض و واگذاری امر امامت از جانب خداوند شامل همه افراد

نمی شود، خداوند از میان شایستگان افرادی را برای رهبری و امامت مردم بر می گزیند .

سپس بیان نمودیم در این زمینه دو آیه شبیه به هم در قرآن وجود دارد . یکی آیه

۲۴ سوره سجده و دیگری آیه ۷۳ سوره انبیاء .

۱ - سوره سجده ، آیه ۲۴ .

تفاوت دو آیه:

خداوند در سوره انبیاء می فرماید:

﴿ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴾^(۱).

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کردند؛ و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می کردند.

در سوره سجده خداوند می فرماید: ﴿ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ ﴾ یعنی از میان بنی اسرائیل بعضی را برای رهبری برگزیدیم، ولی در سوره انبیاء می فرماید: ﴿ وَجَعَلْنَاهُمْ ﴾، یعنی همه آنان را برای امامت انتخاب نمودیم. زیرا این آیه در رابطه با فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام، است و همه آنان واجد شرایط امامت بودند.

به دلیل آیه قبل:

﴿ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴾^(۲).

و اسحاق و علاوه بر او یعقوب را به وی بخشیدیم، و همه آنان را مردانی صالح قرار دادیم.

همچنین بیان نمودیم کسی می تواند به مقام امامت برسد که دارای ملکه صبر باشد. منظور از صبر، صبر عادی و اصطلاحی در برابر شهوات و تمنیات نفسانی و دنیوی نیست. بلکه صبری بالاتر، که عبارت است از صبر بر عالم برزخ، صور و همیه و خیالیه و

۱ - سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۲ - سوره انبیاء، آیه ۷۲.

صبر بر پاداش اخروی.

حاصل این صبر انقطاع و بریدن از همه چیز می باشد حتی از حقیقت آخرت، در این صورت فرد واجد شرایط امامت می شود و فقط ذات اقدس ربوبی را مد نظر دارد و تنها از او می هراسد.

رسول الله ﷺ به امیرالمؤمنین عليه السلام می فرماید:

« يا علي من خاف الله عز وجل خاف منه كل شيء ومن لم يخف الله ، أخافه الله من كل شيء »^(۱).

یا علی هر کس از خداوند بترسد همه چیز از او می ترسد و هر کس از خداوند نترسد، خداوند او را از همه چیز می ترساند.

تفاوت امامت مطلقه و مطلق امامت:

در جلسه گذشته بیان نمودیم که امامت مطلقه شرایطی بالاتر از مطلق امامت دارد. اما تفاوت این دو امامت در چیست؟

پسوند مطلق با مفاهیم زیادی بکار رفته است مانند وجود مطلق و مطلق وجود، علم مطلق و مطلق علم، رحمت مطلق و مطلق رحمت.

هر چه که در این عالم یافت می شود بهره ای از وجود دارد یعنی دارای مطلق وجود می باشد، ولی ذات اقدس ربوبی وجود مطلق است، و هیچ وجودی با او قابل قیاس نیست. مثال دیگر، کودکی که در دبستان درس می خواند عالم است و مجتهد و دانشمند هم عالم اند، آیا علم این دو قابل مقایسه می باشد؟ کودک دبستانی بهره ناچیزی از علم

۱- بحار الانوار، ج ۷۴ ص ۵۰.

دارد او مطلق عالم است ولی دانشمند، عالم مطلق است.

مثال دیگر شمع، لامپ و خورشید همه نور دارند، ولی نور آنها دارای درجات و مراتب می‌باشد. شمع دارای مطلق نور است ولی خورشید عالم تاب، نور مطلق است. نمونه‌ای دیگر همه ما می‌توانیم اشیاء سنگینی را حرکت دهیم ولی یک پهلوان، وزنه‌های بسیار سنگینی را بلند می‌کند، ما نسبت به آن پهلوان مطلق قدرت را داریم ولی آن پهلوان قدرت مطلقه دارد.

اما در امامت، مطلق امام، به درجه‌ای قابلیت امامت را دارا می‌باشد. ولی امام مطلق، امام تمام کون و هستی می‌باشد و آنان فقط حضرات چهارده گانه معصومین علیهم‌السلام هستند و غیر از آنان هیچ کس امامت مطلقه ندارد. یک انسان هر قدر مهربان باشد، مهربانی او اندازه‌ای دارد، یعنی مطلق رحمت دارد، ولی امام علیه‌السلام دارای رحمت مطلقه می‌باشد. در کلمات امام کاظم علیه‌السلام از امام به عنوان *رحمة الله الواسعة*^(۱) (رحمت فراگیر پروردگار) یاد شده است.

رحمت و رأفت امام علیه‌السلام شامل همه موجودات می‌شود، به امام رضا علیه‌السلام ضامن آهو می‌گویند زیرا رأفت ایشان شامل حال آهو هم شد.

معنای امام:

امام به معنای مقدم و پیشوا می‌باشد. (به دلیل همین معنی امام، در فقه مسأله‌ای در امامت نماز جماعت مطرح است: در مسجد الحرام که نماز جماعت به صورت دایره تشکیل می‌شود و بسیاری از مأمومین بر امام جماعت مقدم می‌شوند. حکم

۱- بحار الانوار، ج ۲۷ ص ۱۳۸.

این جماعت چیست؟^(۱) امام زمان یعنی امامی که بر زمان مقدم است نه تنها بر زمان بلکه بر تمام کون و مخلوقات مقدم است و همه چیز تحت قدرت و اختیار او می‌باشد. با توجه به این نکته مسأله طول عمر امام زمان (عج) حل می‌شود. زیرا وی بر همه چیز از جمله زمان فرمان می‌راند و زمان در وی تأثیر نمی‌گذارد.

همه مخلوقات مقهور زمان و در اختیار آن هستند، ولی امام علیه السلام زمان را در اختیار دارد و زمان مقهور اوست. او امام تمام موجودات است، وسعه وجودی و اقتدایش همه موجودات را در بر می‌گیرد، و تمام کون و هستی خاضع و ذلیل درگاه آنان است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«والشمس والقمر دائبان في مرضاته يبليان كلَّ جديد»^(۲).

خورشید و ماه به رضای او می‌گردند و هر تازه‌ای را کهنه می‌کنند. گردش خورشید و ماه بر ما تأثیر می‌گذارند ولی بر امام علیه السلام بی‌اثر است، زیرا ماه و خورشید تحت فرمان وی هستند.

قاعده امکان اشرف^(۳):

در فلسفه قاعده‌ای وجود دارد به نام قاعده امکان اشرف، این قاعده را نخست فلاسفه اشراق طرح کردند و سپس فلاسفه مشاء بر اثبات آن برهان و دلیل اقامه نمودند، این قاعده می‌گوید، وجود، حیات، قدرت، علم و اموری از این نوع تابه اطراف خود اشراق پیدا نکنند، نمی‌تواند نقاط دورتر را در بر بگیرد. [از مبدأ فیاض مطلق به أخص

۱- العروة الوثقى، ج ۳ مسأله ۲۵ ص ۱۵۲.

۲- نهج البلاغه، ج ۱ ص ۱۵۹ خطبه ۹۰.

۳- شرح منظومه سبزواری، ج ۳ ص ۶۶۴.

نمی‌رسد مگر اینکه در رتبه قبل به اشرف رسیده باشد] بعنوان مثال چراغی که روشن است اول اطراف خود را روشن می‌کند، سپس به نقاط دورتر از خود نور افشانی می‌کند. این مسأله بدیهی است؛ و کسی نمی‌گوید که این چراغ اول نقاط دور را روشن می‌کند بعد نقاط پیرامونی خود را از نور بهر مند می‌گرداند.

خداوند، انسان، حیوان و ... را آفرید و همه مخلوقات را از نعمت وجود بهره‌مند ساخت. همه وجود دارند اما بهره‌ و وجودی این مخلوقات متمایز است. بهره‌ای که انسان از وجود و حیات و دیگر کمالات دارد با مخلوقات دیگر متفاوت است، به عنوان نمونه، مورچه و یا زنبور عسل را بنگرید که چگونه لانه درست می‌کنند، در طول قرنهای متمادی، لانه‌ای که می‌ساخته‌اند، هیچ تغییری نکرده و نخواهد کرد. در مورد گیاهان هم به طور مثال درخت گردو که از هنگام جوانه زدن تا آخر درخت گردو بوده تکاملی پیدا نمی‌کند.

اما انسانها به دلیل اینکه بهره و حظ بالاتری از وجود و دیگر کمالات دارند رو به سوی کمال و ترقی در حرکت‌اند.

هنگامی که خداوند می‌خواهد نور وجود را به ممکنات عنایت کند، این نور نمی‌تواند نخست و بی واسطه به ماهیات پست برسد. این نور اول شامل اشرف ممکنات می‌شود سپس، بواسطه آنان شامل دیگر ممکنات می‌گردد.

بر اساس این قاعده، وجود، علم، رحمت، قدرت و همه خوبی‌ها و فضائل، نخست شامل ماهیاتی می‌شوند که بر دیگر ماهیات و مخلوقات مقدم‌اند.

تمام مکاتب فلسفی این ماهیات مقدم را قبول دارند، ولی هر کدام نام خاصی بر آن نهاده‌اند. فلاسفه اشراق به آن (کلمه قدسیه) می‌گویند. فلاسفه مشاء به آن (عقل فعال) می‌گویند، حکماء پهلوی آن را (کد بانو و خدای عالم) نام نهاده‌اند، عرفا نام آن را (انسان کامل) گذاشته‌اند. متشرّعه و متدینین به آن (حجّت الله و امام) می‌گویند.

به چند روایت در این زمینه توجه نمایید:

«الحجّة قبل الخلق ومع الخلق وبعد الخلق»^(۱).

حجت پیش از خلقت و همراه با آن و پس از آن می باشد.

رسول الله ﷺ می فرماید:

«أول ما خلق الله نوري»^(۲).

خداوند نخست نور (وجود) مرا آفرید.

حبیب ابن مظاهر که از اصحاب خاص امیر المؤمنین علیه السلام و حامل علوم ایشان

بود از سید الشهداء علیه السلام می پرسد:

«أی شیء كنتم قبل أن یخلق الله عزّوجل آدم علیه السلام؟».

قبل از خلقت آدم، شما چه بودید؟

در پاسخ امام علیه السلام می فرماید:

«كنا أشباح نور ندور حول عرش الرحمن فنعلّم للملائكة التسبیح

والتهلیل والتحمید»^(۳).

پیش از خلقت شبح هایی از نور بودیم و حول عرش الهی گردش

می کردیم و به ملائکه حمد، سپاس و ستایش خداوند را آموزش

می دادیم.

اگر حجت های الهی نباشند عالم آفرینش به هم می ریزد زیرا عالم هستی، بدون

واسطه، قابلیت پذیرش فیض از مبدا فیاض را ندارد. در روایتی آمده است،

۱- کافی، ج ۱ ص ۱۷۷.

۲- بحار الانوار، ج ۱ ص ۹۷.

۳- بحار الانوار، ج ۵۷ ص ۳۱۱ - علل الشرائع، ج ۱ ص ۲۳.

« لو لا الحجّة لساخت الأرض بأهلها »^(۱).

اگر حجت الهی نباشد زمین هر آنچه در اوست را فرو می‌برد.
ائمّه علیهم‌السلام و سایط فیض می‌باشند که به واسطه آنان فیض الهی در تمام ممکنات
و ماهیات سریان و جریان پیدا می‌کند و بدون وجود پر برکت آنان، عالم هستی وجود
نخواهد داشت.

ائمّه علیهم‌السلام همه فضائل و کمالات را در حد اعلی دارا هستند، امیر المؤمنین علیه‌السلام
مهربانی و رأفت، شجاعت و قدرت را در حد اعلی دارا بود. هنگامی که طفل یتیمی گریه
می‌کند، کنار او می‌نشیند و گریه می‌کند.

در جنگ خیبر، یهودیان خندقی اطراف قلعه حفر کرده بودند، این دژ دری
داشت که چهل مرد نیرومند آنرا باز و بسته می‌کردند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هنگام جنگ اولی و
دومی را فرستاد و آن دو کاری از پیش نبردند! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این دو را به این دلیل فرستاد
که بعدها ادعای شجاعت نکنند. سپس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

« لأعطينَ الرايةَ غداً رجلاً يحبّه الله ويحبّه »^(۲).

فردا پرچم را به کسی می‌سپارم که خدا او را دوست دارد و او نیز
خدا را دوست دارد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در قلعه را با دست از جای‌گند و بر روی خندق انداخت و سپاه
اسلام از آن بعنوان پل استفاده نمود. سپس فرمودند:

« ما قلعتُ باب خیبر بقوة جسمانیة بل بقوة ربانیة »^(۳).

من با قدرت بدنی در خیبر را از جای بر نکندم بلکه با نیروی الهی

۱ - مستدرک سفینه البحار، ج ۵ ص ۲۷۸.

۲ - کافی، ج ۸ ص ۳۵۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۵ ص ۴۷.

این کار را انجام دادم.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ دوبار رد الشمس^(۱) می‌کند و این دلیلی است روشن بر آنکه تمام هستی تحت قدرت و اختیار آنان می‌باشد.

یک بار در مسجدی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر سر زانوی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ خواب رفتند، نزدیک غروب شد، ایشان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بیدار نکردند تا مبادا آزرده شود. ناگهان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیدار شدند. گفتند: ای علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نماز خوانده‌ای؟ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: نه، سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتند که خورشید را باز گردان. بار دیگر در واقعه جنگ نهروان بود، که هوا در آستانه تاریک شدن بود، امام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ خورشید را برگرداندند و همه سپاهیان نماز خواندند.

خلاصه سخن:

با توجه به دو آیه‌ای که در ابتداء بیان کردیم چهار نکته روشن می‌شود.

- ۱ - ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ﴾ امامت نیازمند به جعل الهی است، ادبار و اقبال مردم و اجتماع سقیفه در امامت نقش و تأثیری ندارد.
- ۲ - ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ﴾ خداوند از میان واجدین شرایط بعضی را برای امامت بر می‌گزیند.

۳ - ﴿لَمَّا صَبَرُوا﴾ صبر، ریشه‌ی اساسی منصب امامت است.

۴ - ﴿يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ هدایت به امر، میوه‌ی درخت تنومند امامت است.

انشاء الله در جلسه بعد هدایت به امر را توضیح خواهیم داد.

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»

۱ - کافی، ج ۴ ص ۵۶۲ - من لا يحضره الفقيه، ج ۱ ص ۱۳۰.

... امام به معنای مقدم و پیشوا
می باشد . امام زمان یعنی امامی که بر
زمان مقدم است نه تنها بر زمان بلکه بر
تمام کون و مخلوقات مقدم است و همه
چیز تحت قدرت و اختیار او می باشد .
با توجه به این نکته مسأله طول عمر
امام زمان (عج) حل می شود . زیرا وی
بر همه چیز از جمله زمان فرمان می راند
و زمان در وی تأثیر نمی گذارد .
(صفحه ۶ از این جزوه)

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه بیت حضرت آیت الله یثربی
تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نمایر : ۴۴۴۹۹۳۳

شماره ۲

۱۳